

## نقد و بررسی فرهنگ ریشه‌شناسی واژه‌های فارسی در زبان انگلیسی (توصیفی - تحلیلی)

لیلی وره‌رام (دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستان)

فرهنگ ریشه‌شناسی واژه‌های فارسی در زبان انگلیسی (توصیفی - تحلیلی)، ۱۳۹۳، فردوس آقاگل‌زاده و حسین داوری، تهران، علمی، ۳۳۲ صفحه.

این اثر ششمین جلد از مجموعه فرهنگ‌های زبان‌شناسی انتشارات علمی است. از نام کتاب برمی‌آید که موضوع آن ریشه‌شناسی واژه‌های فارسی واردشده به زبان انگلیسی باشد، اما اثر حاضر در واقع فرهنگ واژه‌های فارسی دخیل در زبان انگلیسی، براساس مطالب ده فرهنگ عمومی انگلیسی، سه فرهنگ ریشه‌شناختی این زبان و یک سایت ریشه‌شناسی است که در قالب چهارصد واژه انگلیسی مرتب شده است. کتاب را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: بخش نخست، شامل پیشگفتار، پیشینه پژوهش‌های ریشه‌شناسی، شیوه واژه‌یابی، آسیب‌شناسی منابع کتاب و ذکر نام آن‌ها و راهنمای استفاده از فرهنگ است. این بخش مقدمه‌ای بر قسمت اصلی فرهنگ است که در فهرست مطالب کتاب پیکره واژگانی نامیده شده است. نویسندگان در پیشگفتار اثر خویش، هدف از تدوین این کتاب را «ارائه سازوکارهای وام‌گیری زبان انگلیسی از واژه‌های زبان فارسی بر پایه منابع تحقیقات معتبر ریشه‌شناسی در چارچوب نظامی علمی و پرهیز از هرگونه ریشه‌شناسی عامیانه» (ص ۱۵) بیان می‌کنند. در فصل پیشینه پژوهش‌های ریشه‌شناسی نیز که هشت کتاب فارسی با موضوع واژگان فارسی در زبان‌های اروپایی، به‌ویژه زبان انگلیسی، نقد و بررسی شده‌اند؛ اشکالات عمده آن‌ها را

«توسل به ریشه‌یابی‌های عامیانه، استناد به مقالات و مطالب غیرعلمی، استفاده از منابع محدود، عدم توجه به تحقیقات و منابع معتبر، نداشتن چارچوب نظری مشخص، محدود بودن دامنه واژه‌های مورد بررسی، عدم توجه به منابع زبان‌های واسط و خلط زبان‌هایی چون سنسکریت، اوستایی و عربی با زبان فارسی» (ص ۳۱) می‌دانند. در ادامه مقاله کتاب حاضر را از لحاظ دستیابی به هدف مذکور و پرهیز از خطاهای گفته‌شده بررسی می‌کنیم.

### ریشه‌یابی‌های عامیانه

از آنجا که مؤلفان تقریباً همه‌جا ریشه‌شناسی واژه‌ها و زبان‌های واسط میان واژه‌های فارسی و انگلیسی را از فرهنگ‌های انگلیسی معتبر نقل کرده‌اند، ریشه‌شناسی‌های عامیانه چندان به آن راه نیافته‌است. البته این به معنی آن نیست که نقل صرف از چنین فرهنگ‌هایی مؤلفان را از خطا مصون داشته، بلکه بالعکس، گاهی سبب راه یافتن خطاهای منابع به کتاب حاضر شده‌است. برای نمونه، می‌توان به واژه *tambura* اشاره کرد که مؤلفان آن را ساز هندی (تنبوره) معنی کرده‌اند و به نقل از ویراست جدید *The New Shorter Oxford English Dictionary* (2 vol., 1993) آن را برگرفته از دم‌بره‌ی فارسی دانسته‌اند که به سبب شباهت به «دم‌بره» چنین نامی یافته‌است. درحالی‌که نام ساز تنبور به‌صورت *tambūr* در فارسی میانه آمده‌است (Mackenzie 1986, p.81). علاوه بر این، در مواضعی که میان فرهنگ‌های انگلیسی بر سر منشأ واژه‌ای اختلاف است، مؤلفان به فارسی بودن آن رأی داده‌اند و گاه برای این کار خود دلیل قانع‌کننده‌ای نیاورده‌اند. یکی از این واژه‌ها *araba* «ارابه» است، که مؤلفان آن را فارسی دانسته و عرابه را صورت معرب آن گرفته‌اند، اما دلیلی برایش نیاورده‌اند.<sup>۱</sup>

### استناد به مقالات و مطالب غیر علمی و بی‌توجهی به تحقیقات و منابع معتبر

استناد به منابعی غیر از فرهنگ‌های انگلیسی در مواضعی انجام گرفته که این کتاب‌ها بر سر منشأ یک واژه اختلاف داشته‌اند. برخی از این منابع، مانند فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی محمدعلی امام شوشتری، که ذیل مدخل *caraway* (زیره، زیره سیاه) برای نشان دادن صورت فارسی کرویا به آن استناد کرده‌اند، آن قدر معتبر نیست که این

۱. این واژه احتمالاً فارسی نیست (حسن دوست ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۶۱ و ۱۶۲).

اختلاف را برطرف کند. نمونه دیگر چنین ارجاعاتی نقل ریشه‌شناسی‌های نادرست برهان قاطع و فرهنگ رشیدی برای واژه پادزهر ذیل مدخل *bezoar* است که مؤلف برهان قاطع اصل واژه را «پاک‌کننده زهر» و مؤلف فرهنگ رشیدی «پاس‌دارنده زهر» آورده است و البته این دو فرهنگ از منابع معتبر ریشه‌شناسی واژه‌های فارسی به‌شمار نمی‌آیند. همچنین در ارجاع مؤلفان به صورت فارسی میانه واژه‌های فارسی از فرهنگ فارسی به پهلوی فره‌وشی استفاده شده که واژه‌های پهلوی را مطابق روش بارتولومه آوانویسی کرده است. این روش آوانویسی پهلوی امروزه دیگر در مجامع علمی به‌کار نمی‌رود و به جای آن از روش آوانویسی مکنزی استفاده می‌شود. ازاین‌رو، درست‌تر می‌بود اگر مؤلفان از فرهنگ پهلوی مکنزی نیز بهره می‌بردند.

#### استفاده از منابع محدود

تنها منبع معتبر ریشه‌شناسی زبان فارسی که در این کتاب به‌کار گرفته شده، کتاب فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی است که در زمان چاپ کتاب حاضر تنها جلد نخست آن انتشار یافته بود. مؤلفان در مواردی که به ریشه‌شناسی واژه‌های فارسی نیاز دارند تا بر فارسی بودن منشأ کلمه‌ای انگلیسی تأکید کنند، به ذکر این نکته که فرهنگ‌های قدیمی‌تر فارسی نو آن واژه را قدیمی و اصیل دانسته‌اند، اکتفا می‌کنند و از منابع دیگر برای تعیین منشأ واژه‌های فارسی استفاده نمی‌کنند. رجوع نکردن به سایر منابع در مورد تعیین زبان‌های واسط میان فارسی و انگلیسی نیز صادق است و سبب راه یافتن کاستی‌های فرهنگ‌های انگلیسی به کتاب حاضر شده است. برای نمونه، واژه فارسی پرگاله نخست به ترکی عثمانی و از آنجا به فرانسوی و انگلیسی راه یافته است، (حسن‌دوست ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۶۶۴)، اما در این کتاب ذکری از زبان واسط ترکی عثمانی نیست.

#### خلط واژه‌های زبان‌های دیگر با واژه‌های زبان فارسی

اساس کار این کتاب بر آن بوده که رد واژگان انگلیسی موردنظر تا اصل فارسی آن‌ها دنبال شود. بنابراین، انتظار می‌رود که در فارسی بودن این واژه‌های مبدأ شک و تردید چندانی وجود نداشته باشد، اما در عمل کلمه‌هایی مانند شغال و گمبرون که اصل ایرانی آن‌ها مسلم نیست، به آن راه یافته‌اند. در بخش پیشینه پژوهش اثر حاضر، خلط واژه‌های سنسکریت و اوستایی و عربی با واژه‌های فارسی، از معایب کتاب‌های

منتشر شده در زمینه مورد بحث دانسته شده است. آوردن زبان اوستایی که به خانواده زبان‌های ایرانی تعلق دارد و منشأ بسیاری از واژه‌های فارسی نو است، در کنار زبان‌های غیرایرانی عربی و سنسکریت این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که در این کتاب فقط واژه‌های فارسی نو که مستقیم یا با واسطه به انگلیسی راه یافته‌اند، بررسی شده است، اما برای چند واژه اصل فارسی میانه و فارسی باستان ذکر شده است. واژه‌های دیگری نیز هستند که از زبان‌های ایرانی شرقی یا پارتی به فارسی نو راه یافته و از راه زبان‌های واسطه به انگلیسی رسیده‌اند، اما در کتاب فقط به صورت فارسی آن‌ها اشاره شده است. از آن جمله مدخل *balas* «لعل آبدار، لعل بدخشان» است که از طریق بلخش عربی به زبان‌های اروپایی راه یافته است. صورت بلخش در مقابل بدخش و ابدال واج /د/ به /ل/ نشانه تعلق این واژه به زبان‌های ایرانی شرقی است (Eillers 1988). واژه چراغ نیز از پارتی *čr'g* وارد فارسی نو شده است (Durkin-Meinsternest 2004). به طور کلی مؤلفان به پیروی از فرهنگ‌های انگلیسی ریشه واژه‌ها را تا زبان فارسی دنبال کرده‌اند و توجه نداشته‌اند که ممکن است این واژه‌ها خود در زبان فارسی دخیل باشند. برای مثال، به منشأ هندی کلمه‌هایی مانند پانیذ فارسی، ذیل دو مدخل *alphenic* و *penide* که از ریشه *√phan* سنسکریت (رضایی باغبیدی ۱۳۷۵، ص ۱۰۵) و *mōz* پهلوی، ذیل مدخل *muza* که از *moca* سنسکریت (رضایی باغبیدی ۱۳۸۱، ص ۷۲) آمده‌اند، بی‌توجهی کرده و آن‌ها را فارسی فرض کرده‌اند. واژه یابو نیز از این جمله است که در این کتاب به استناد منابع انگلیسی از اصل فارسی دانسته شده، اما گویا از زبان ترکی آذری به فارسی راه یافته است (قربانزاده ۱۳۹۴، ص ۱۹۲). بسیاری از مدخل‌های کتاب به حوزه واژگانی انگلیسی رایج در هند تعلق دارد. منشأ فارسی این دسته از کلمه‌ها نیز در بسیاری از موارد واژه‌هایی هستند که فقط در فارسی شبه‌قاره به کار می‌رفتند و دلیل راه یافتنشان به فرهنگ‌های فارسی پیشینه غنی فرهنگ‌نویسی فارسی در هندوستان است. گذشته از این، بعضی واژه‌های فارسی که به زبان‌های هندی و از آنجا به انگلیسی وارد شده‌اند، خود در گذشته‌ای دورتر مأخوذ از زبان‌های هندی بوده‌اند و از آنجا به فارسی میانه انتقال یافته‌اند، اما برای مثال، ذیل *tabasheer* به این مسئله اشاره نشده است (برای اصل هندی این واژه ← حسن‌دوست ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۸۲۹).

گذشته از موارد یادشده، شیوه‌ارائه مطالب نیز مطابق شیوه‌های رایج در فرهنگ‌نویسی نیست. معمول نیست صورت‌های به‌کاررفته در زبان‌های واسطه هر کدام

در یک سطر جداگانه بیابند، بلکه به دنبال هم و در یک سطر قرار می‌گیرند. این کار با اطناب در توضیحات ذیل هر مدخل همراه شده‌است. این توضیحات در موارد زیادی شامل شاهدهای منقول از فرهنگ‌های فارسی است که عموماً نیازی به آمدنشان نیست. برای نشان دادن تحولات معنایی واژه‌ها از فارسی تا انگلیسی کافی بود که معنی کلمه در هر یک از این زبان‌ها نوشته می‌شد.

در این کتاب برای نمایش تلفظ صحیح واژه‌های فارسی، در چند مورد فارسی میانه و فارسی باستان، از حروف لاتین استفاده شده، اما با نشان دادن  $\dot{x}$  به صورت  $x$ ،  $ch$  به صورت  $\check{c}$  و  $zh$  به صورت  $z$  از روش آوانویسی رایج در زبان‌های ایرانی و فرهنگ‌های فارسی فاصله گرفته شده‌است. نامعمول بودن این روش آوانویسی به‌ویژه در واژه‌های فارسی باستان که ذیل مدخل‌های *manticore* و *satrape* آمده، مشهود است. این کاستی با غلط‌های تایپی فراوان کتاب در هم آمیخته‌است. برای مثال، صورت فارسی باستان ارائه شده به‌عنوان منشأ واژه *mārtiyā-khwar* نه تنها در متن‌های موجود این زبان نیامده و به این دلیل باید با علامت ستاره مشخص می‌شد، بلکه قواعد فارسی باستان نیز در ساخت آن رعایت نشده‌است. درحالی‌که سایت [www.etymonline.com](http://www.etymonline.com)، که منبع کتاب برای این مدخل بوده، چنین اشکالاتی را ندارد و آن را به صورت *martiya-khwara* و با قید احتمال آورده‌است.

منابع کتاب برای منشأ واژه‌های انگلیسی و زبان‌های واسط، جز در مواردی که بین فرهنگ‌های انگلیسی اختلاف وجود داشته، ذکر نشده‌است، درحالی‌که در فرهنگ‌های ریشه‌شناختی، برخلاف فرهنگ‌های عمومی، ارجاعات مربوط به ریشه واژه‌ها با تفصیل آورده می‌شود (قربانزاده ۱۳۹۴، ص ۱۶۷). نمایه کتاب نیز برخلاف سایر فرهنگ‌های ریشه‌شناختی، که واژه‌های هر زبان را به تفکیک مشخص می‌کنند، تنها به واژه‌های فارسی فرهنگ اختصاص دارد. همچنین شماره صفحه‌های نمایه صحیح نیست.

به‌طور کلی، برای تدوین فرهنگ واژه‌های فارسی دخیل در هر زبانی باید قبل از هر چیز از غیر دخیل بودن واژه‌های مورد بحث در فارسی مطمئن شد. برای این کار اطلاعاتی از تاریخ زبان فارسی و سایر زبان‌های ایرانی و آشنایی نسبی با مبانی ریشه‌شناسی آن‌ها لازم است. در غیر این صورت، همان‌طور که در چند مثال بالا دیدیم، ممکن است فارسی نیز یکی از واسطه‌های انتقال واژه‌ای از یک زبان به زبانی دیگر باشد. اتکای صرف به فرهنگ‌های زبان مقصد برای این کار می‌تواند گمراه‌کننده باشد،

زیرا تهیه‌کنندگان آن فرهنگ‌ها لزوماً در زبان‌های دیگری که واژگان دخیل از آن‌ها آمده‌اند تخصص ندارند و ممکن است به‌آسانی مرتکب اشتباه شوند.

### منابع

حسن دوست، محمد (۱۳۹۴)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، جلد ۱ و ۲، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۷۵)، «چند واژه دخیل هندی در شعر فارسی»، مجله نامه فرهنگستان، سال ۲، شماره ۴، صفحه‌های ۱۰۳-۱۱۶.

رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۱)، «روابط متقابل زبان‌های ایرانی و هندی باستان و میانه»، مجله نامه فرهنگستان، سال ۵، شماره ۴، صفحه‌های ۶۵-۷۵.

قربان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴) «نقد و بررسی بخش ریشه‌شناسی فرهنگ بزرگ سخن»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۹، صفحه‌های ۱۶۷-۱۹۴.

Durkin-Meisterernst, Desmond (2004), *Dictionary of Manichaen Middle Persian and Parthian*, Brepols, Turnhout, Belgium.

Eillers, Wilhelm (1988), *Badaxšān*, www. Iranicaonline.org .

Mackenzie, David Neil (1986), *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford University Press, Oxford.